

■ صفحه گام دوم انقلاب کوششی است رسانه‌ای جهت تبیین و شرح بی‌انیه رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به مناسبت چهل‌وسومین سالگرد پیروزی انقلاب و در هر شماره، فرازی از بی‌انیه گام دوم انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. شنبه‌های هر هفته در تبیین این بی‌انیه با ما همراه باشید.

■ **استکبارشناسی**

در طول تاریخ مخالفان اسلام راستین باطرح اسلام‌های دروغین همواره در صدد مقابله با اسلام بوده‌اند. طرح «اسلام خلافتی» به جای «اسلام نبوی» بعد از رحلت پیامبر (ص) یکی از این نمونه‌هاست. پیش از پیروزی انقلاب، عنوان «اسلام شاهنشاهی و آرام‌په‌ری» نمونه روشن دیگری است که حتی برخی از روحانیت و مردم را نیز فریفته بود و مهم‌تر از همه اینکه بعد از پررنگ شدن انقلاب اسلامی ایران و شکست استکبار جهانی در جلوگیری و نابودی آن، دشمنان انقلاب، سرانجام سعی کردند با طرح اسلام‌های غیراصیل و امر یکایی و با اهرم بدل‌سازی به مبارزه با این هویت برخیزند. همین امر موجب شد که امام خمینی، با هوشیاری تمام، با طرح و تبیین «اسلام ناب» در برابر «اسلام امریکایی» و تبیین مؤلفه‌های هر کدام، با این طرح توطئه‌آمیز مقابله کردند. تقریباً از سال ۱۳۶۲ به این سو بود که این دو واژه سیاسی به کرات از سوی امام خمینی مورد مناقه و تبیین قرار گرفت،^(۱) البته پیش از این نیز ایشان با واژه «اسلام‌های در برابر «اسلام غیراضیل» به مسئله ورود کرده بودند.^(۲) در بیان امام خمینی اسلام ناب، اسلامی استکبارستیز^(۳)، مدافع پاره‌هنگام و محرومان^(۴)، مخالف بی‌پول برستی^(۵)، تخریرگرایی^(۶) و مقدس‌نمایی^(۷) و اهل مبارزه و مقاومت^(۸) است و در مقابل، اسلام امریکایی – اسلامی سلطنتی^(۹)، التقاطی^(۱۰)، متحجرانه^(۱۱)، اهل سرما‌په‌داری^(۱۲)، خدانشناس^(۱۳)، مدافع مرفه‌ان^(۱۴) بی‌در^(۱۵)، اهل تجمل و التقات و سازش و فرومایگی^(۱۶) و خرافه^(۱۷) و اسلام‌های کثیف دریاری^(۱۸)، اسلام مقدس‌نماهای بی‌حوره‌های علمی و دانشگاهی^(۱۹)، اسلام فریب و سازش و اسارت^(۲۰) و اسلام ذلت و نکبت^(۲۱) است^(۲۲) و در یک کلام، اسلام امریکایی – اسلامی است که هیچ تعهد اجتماعی و مسئولیت‌آسانی را در عرصه جهانی و اجتماعی نمی‌پذیرد. در قرآن کریم برای مستکبران چند نشانه ذکر شده است: برتری جویی و خودپز گنمایی، نه برتری واقعی^(۲۳)، ترفه‌افکنی در میان مردمان محروم و مستضعف^(۲۴)، تحقیر و توهین به مردم^(۲۵).

از دید مفسران کلام پروردگار نیز استکبار و تکبر در معنای کلی، یعنی اینکه انسان خود را بزرگ شمرد و موضوعی قرار دهد که لایق آن نیست و از همین رو، جزو رذایل اخلاقی شمرده می‌شود. مستکبر خود را صاحب اختیار و «رب» مردم می‌داند و تلاش می‌کند در میان مردم مستضعف بر مسند الوهیت نشیند^(۲۶).

امام خمینی استکبار را معادل کوچک شمردن بنده خدا، تعدی و تجاوز به زیردستان و فخر فروشی بر دیگران عنوان می‌کند. ایشان همچنین در بیان مصادیق مستکبران، گروه معدودی را مثال نمی‌زند، بلکه تمام افرادی که خصوصیات فوق را داشته باشند، از نگاه ایشان ممکن است به استکبار گری روی بیاورند: «…مستکبرین منحصّر نیستند به سلاطین، منحصّر نیستند به رؤسای جمهور، منحصّر نیستند به دولتهای مستکمر. استکبار یک معنای اعمی دارد، یک مصداقش همان اجانب هستند که تمام ملت‌ها را ضعیف شمرند و مورد تجاوز و تعدی قرار دادند، یک مورد هم همین دولت‌های جائز، سلاطین مستمرگ که ملت‌های خودشان را ضعیف می‌شمرند و به آنها تعدی می‌کنند، دست تعدی به ملت‌ها دارند از می‌کنند. ملت را ضعیف می‌شمرند و ملت را از روی استکبار نظر می‌کردند و به ملت تعدی و تجاوز می‌کردند. هر فرد، می‌شود که مستضعف باشد و می‌شود مستکبر باشد. اگر من به زیردست‌های خودم ولو چنان فقیر باشد، تعدی و تجاوز کردم و آنها را کوچک شمردم، بنده خدا را کوچک شمردم، من مستکبرم و او مستضعف.»^(۲۷)

امام خمینی(ره) در مرحله نخست، عدم بیداری و آگاهی مستضعفین و همچنین غفلت آنها را به عنوان مؤلفه نخست، ایجاد استکبار معرفی می‌کنند. بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران معتقدند بسیاری از مردم، به دلیل جهل و نادانی، از خصایص استکبار و همچنین عملکرد آن آگاهی ندارند و در این زمینه باید روشنفکران دیندار و دغدغه‌مدار رسالت آگاه‌سازی توده‌ها را بر عهده بگیرند: «مستضعفین وظیفه‌شان را با مستکبرین بفهمند. این مستضعفین اکثر آ‌نی‌اند.



انقلاب اسلامی، به عنوان یک تحول جدید، توانست نظام جهانی غرب‌محور را در ابعاد مختلف به چالش بکشد.

ماهیت مستقل و ضدامپریالیستی انقلاب اسلامی و تلاش آن برای ایجاد نظام بین‌الملل، فارغ از سلطه قدرت‌های استکباری، موجب بر هم زدن تعادل بلوک‌های قدرت جهانی و به چالش کشیدن نظم بین‌المللی ساخته دنیای شرق و غرب گردید.

ما مهم نمی‌دانیم، نمی‌دانیم که اینها چه به سر ما آورده‌اند، بعضی از ورقه‌های کوچکش دست ماست و می‌دانیم.»^(۲۸)

دوری از اسلام و قرآن نیز مشکل دیگری است که دنیای اسلام به آن مبتلا شده است و اگر مسلمین به حسب امر خدای متعال، متفکر نمی‌شدند و به رسمان الهی چنگ می‌زدند، تمام مشکلات‌شان، اعم از سیاسی و اجتماعی و اقتصادی، رفع می‌شد و هیچ قدرتی نمی‌توانست با آنها مقابله کند، لکن به واسطه غفلت بعضی و عدم توجه و تغافل بعضی، از این امر محروم ماندند و تا این امر الهی تحقق پیدا نکند، باید مسلمین انتظار گرفتاری‌های بیشتری را داشته باشند^(۲۹).

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در ادامه وایستگی به قدرت‌های بزرگ و ترس از تهدیدهای آنان را به عنوان مؤلفه دیگر ایجاد استکبار جهانی معرفی می‌کند. ایشان ضمن تأسفاً: انحطاط برخی سران کشورهای اسلامی و رفتارهای ذلت‌آورشان در برابر مستکبران می‌فرماید: «این ابرقدرت‌های خواهند به همه جا مسلط بشوند و

این بدبخت‌های خلیج فارس هم مثل کویت گرفتار این سروده شده است، خیال می‌کند که اگر در دامن امریکا بود، خلاص می‌شود و این اشتباه است.»^(۳۰) سپس ایشان در خارج از جهان مسلمین نیز مؤلفه‌های ایجاد استکبار جهانی را جست‌وجو می‌کنند و بیماری روحی مستکبران را به عنوان مهم‌ترین عامل، مدنظر قرار می‌دهند: «مستکبرین، جهان را از دید خاص استکباری خود و این بیماری روحی که در آنها هست، نگاه می‌کنند و این بیماری موجب این شده است که توده‌های بزرگ ملت‌ها را اینها از جهان حساب نمی‌کنند. این دید مستکبرین است که سایر قشرهای بزرگ‌ملت‌ها را، آنهایی که دریایی هستند، اینها نمی‌بینند، یعنی این بیماری اسباب این شده است که آنها را نبینند.»^(۳۱)

■ **اسلام ناب، اسلام و راه‌ی بخش**
انقلاب اسلامی ایران کشورها و ملت‌های فراوانی را تحت تأثیر قرار داد و این تأثیرات که در قالب الگوسازی انقلاب اسلامی ظهور و بروز یافت، فرصت‌های جدیدی را پیش روی جنبش‌ها و جریان‌های مبارزه برای آزادی‌خواهی و استقلال قرار داد. در سطح جهان اسلام، انقلاب ایران به بیداری هویت اسلامی مسلمانان جهان دامن زد و آنها را نیز به سوی مبارزات اسلامی کشاند.

به طور کلی با وقوع انقلاب اسلامی ما شاهد دو اثر انقلاب اسلامی ایران هستیم؛ یکی اینکه نهضت‌های آزادی‌بخش در جوامع اسلامی هم‌سنگی با این جنبش‌های آزادی‌بخش که بر پایه ایدئولوژی‌های غیر اسلامی مانند سوسیالیسم، لیبرالیسم و فرعونیت قرار گرفته بود، موقعیت خود را در میان مسلمانان و به ویژه جوانان از دست داده و دیگر آن اعتبار و اقتدار گذشته را مانند آنچه را که پان‌پرسم و ناصریسم داشت، ندارد و دوم اینکه حتی نهضت‌های آزادی‌بخش اسلام‌غیر اسلامی، مانند اخوان المسلمین که از گذشته دور دارای محبوبیت و معروفیت بودند، به علت عدم توانایی در پاسخگویی به نیازهای جوامع خود به خصوص به خواسته‌های نسل جوان، دچار شکست و انشعاب گردیدند و گروه‌های جهادی و انقلابی جدید حتی به صورت مسلحانه و زیرزمینی شکل گرفتند که از این میان می‌توان از جهاد اسلامی و تفکر و الهجره در مصر و جبهه نجات اسلامی در الجزایر اشاره کرد. «جان اسپوزیتو» در تحلیل به میزان اثر گذاری انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های اسلامی در سسطح جهان اسلام پرداخته و آورده است که این انقلاب حداقل در سه سطح بر جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام تأثیر می‌گذارد: در جوامعی که جنبش‌های اسلامی وجود ندارد، این انقلاب باعث به وجود آمدن آنها می‌شود (کشورهای حاشیه خلیج فارس) و در جوامعی که جنبش‌های اسلامی وجود داشته اما فعال نبوده است، باعث فعال شدن و پویایی آنها می‌شود (کشورهای شپه‌قاره هند و آسیای جنوب شرقی) و بالاخره در جوامعی که این جنبش‌ها وجود داشته و فعال هم بوده‌اند، این انقلاب باعث رادیکالیزه شدن آنها می‌شود (مصر، لبنان و عراق).

انقلاب اسلامی در زمانی شکل گرفت که نظام جهانی در پایه غرب‌محوری به مدت نزدیک چهار قرن به عنوان یک امر بدیهی و تثبیت شده توسط جامعه جهانی پذیرفته شده بود. هر نوع تحولی که در این نظام در ابعاد گوناگون فکری، فرهنگی، اقتصادی و گفتمان‌های جدید مطرح می‌گردید، نشئت‌گرفته از غرب بود و هیچ‌گاه غرب‌محوری را به چالش نکشیده بود، در حالی که انقلاب اسلامی، به عنوان یک تحول جدید، توانست نظام جهانی غرب‌محور را در ابعاد مختلف به چالش بکشد.

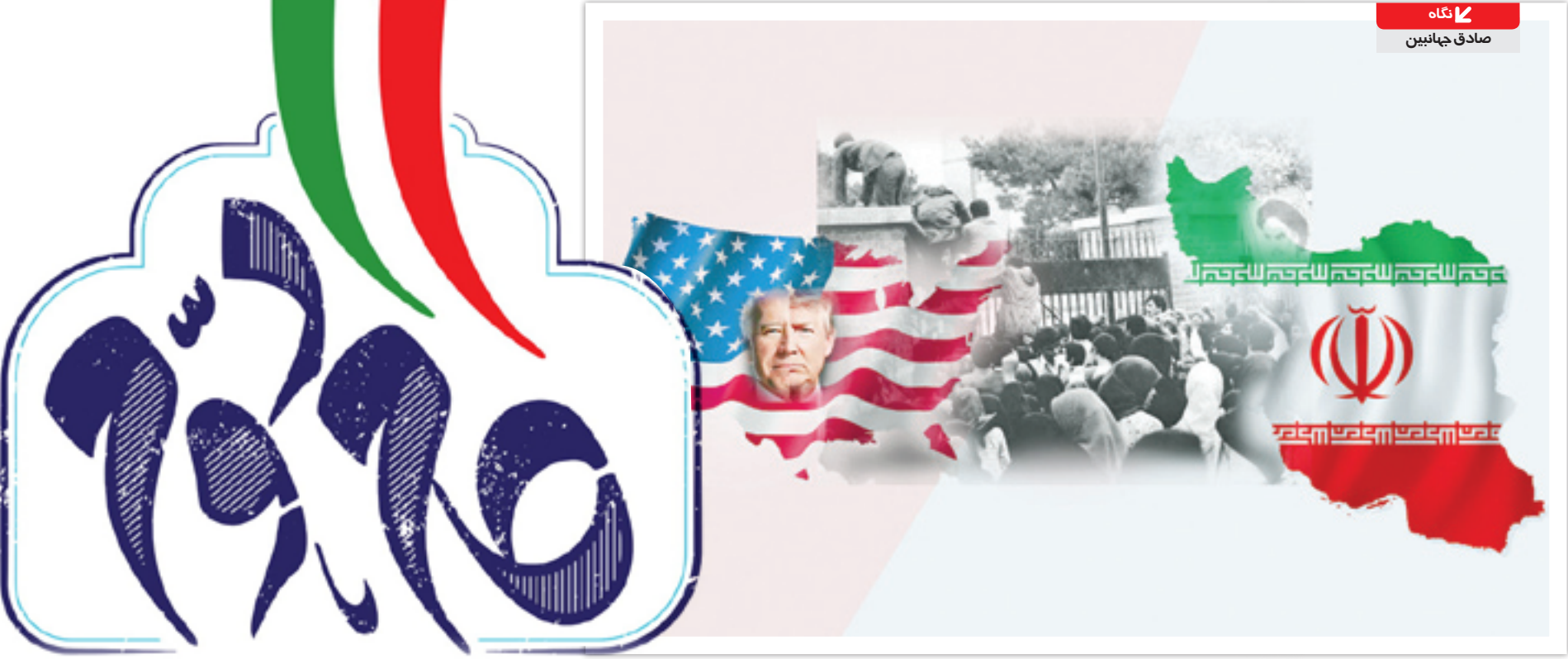
گام دوم

گام دوم۸۸۴۸۸۴۸۸۴

قدم به قدم با بی‌انیه گام دوم انقلاب اسلامی(۹)

دوگانه

«اسلام و استکبار»



انقلاب اسلامی، نقش اسلام و مسلمانان را در عرصه‌های مختلف برجسته ساخته و عنصر هویت اسلامی را به عنوان واقعیتی پذیرفته‌شده در برابر هویت جهانی‌نشسول غرب قرار داده است. انقلاب اسلامی، با تشدید اسلام‌خواهی از طریق ترویج اسلام سیاسی، بسیاری از مسلمانان جهان را در مسیر باز یابی هویت اسلامی خویش قرار داد.

ماهیت مستقل و ضدامپریالیستی انقلاب اسلامی و تلاش آن برای ایجاد نظام بین‌الملل، فارغ از سلطه قدرت‌های استکباری، موجب بر هم زدن تعادل بلوک‌های قدرت جهانی و به چالش کشیدن نظم بین‌المللی ساخته دنیای شرق و غرب گردید. انقلاب اسلامی با بیان نظری به «نه شرقی، نه غربی» توانست ابرنظمی جمعی را مبتنی بر برابری دولت‌ها و حاکمیت‌ها و تحقق حقوق الهی و انسانی ملت‌ها در نظام بین‌الملل رقم زند و با احیای ظرفیت‌ها و امکانات فراموش شده ملت‌های غیرمتحد و نفی انفعال و فرعونیت در برابر استکبار، فرصت‌های ریشه‌های وابستگی ملت‌ها به قدرت‌های بزرگ بین‌الملل برآید. در این رابطه، بایستی ذکر کرد که اگر چه پیش از انقلاب اسلامی نیز جریان‌ها و انقلابیونی بودند (اعم از اسلامی و غیراسلامی) که در پی احیای نقش ملت‌هایشان (نظیر بنیانگذاران عدم‌تعهد) و رفع وابستگی به قدرت‌های غربی کوشیده‌اند، اما نهایتاً انقلابیون فوق در عرصه عمل با نظر یا دارای اندیشه‌هایی بر گرفته از بلوک بوده‌ای که دارای ریشه‌های غربی بوده‌اند (مارکسیسم) یا نظیر فعالیت‌جریان‌های اسلام‌گرایي چون فدائیان اسلام و اخوان المسلمین در مصر در دستبایی به خواسته‌هایشان ناموفق بوده‌اند.

بدون تردید، آنچه تنها انقلاب اسلامی توانست در مرحله وقوع انجام دهد و چنانکه گذشت توجه اندیشمندان پسامدرنی چون فوکو را برانگیزد، خصلت شالوده‌شکنی انقلاب اسلامی نسبت به سیطره مدرنیسم غربی بوده است. بدون توجه به چنین تأثیری، تأثیرات دیگر انقلاب اسلامی چندان اساسی نخواهد بود. بایی سعید سعی نموده است این نکته را با الهام از مباحث لیونار در نفی روایت کلان و با ترکیب آن با ایده یونگ در تلقی پسامدرنیسم به مثابه مرکزیت‌زدایی از غرب توضیح دهد. از این حیث، گفتمان اسلام‌گرایی در انقلاب اسلامی عملاً به نفی اروپامحوری یا همان غرب‌محوری انجامیده است.

انقلاب اسلامی، با احیای تفکر اسلامی، نقش اسلام و مسلمانان را در عرصه‌های مختلف برجسته ساخته و عنصر هویت اسلامی را به عنوان واقعیتی پذیرفته‌شده در برابر هویت جهانی‌شمول غرب قرار داده است. انقلاب اسلامی، با تشدید اسلام‌خواهی از طریق ترویج اسلام سیاسی، بسیاری از مسلمانان جهان را در مسیر باز یابی هویت اسلامی خویش قرار داد. در تصادوم انقلاب نیز ایران، با داعیه رهبری جهانی، در صدد اسلامی شدن جهان از طریق وحدت مسلمانان در مبارزه با مستکبران بود.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران سبب حیات دوباره در

علاقه و کنجکاوی نسبت به فرهنگ و تمدن اسلامی گردیده است و بر خودر آن را با فرهنگ غرب که در پی غلبه بر جهان است، تشدید نموده است. مسلمانان در گذشته هم به خاطر دوران سلطه غرب بر جوامع اسلامی و هم به خاطر سرعت ترقی و پیشرفت علمی و تکنولوژیک غرب، نوعی احساس حقارت و خودکم‌بینی می‌کردند و سعی عمومی بر این بوده است که گذشته اسلامی خود را نادیده بگیرند و کور کرانه از روش‌ها و شیوه‌های زندگی غربی الگوبرداری کنند. انقلاب اسلامی موجب گردید که از این احساس حقارت و خودکم‌بینی کاسته شود و مسلمانان به طور اعم به گذشته خود و به هویت اسلامی خود نگاهی مثبت‌تر داشته و در صدد احیای ارزش‌های اسلامی باشند.

بر این اساس، انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر ترویج فرهنگ و تفکر استقلالی توانست نوعی خودباوری فرهنگی و استقلال اندیشه‌ای را برای مسلمانان به ارمغان آورد و با از بین بردن خودباختگی در حوزه فکر و اندیشه، به بازسازی تمدن اسلامی بپردازد تا به این ترتیب کشورهای اسلامی در عین اهتمام به ایجاد هویت مستقل، به تقویت توان تعاملی و تبادل‌ی جهان اسلام مبادرت ورزند و ضمن تکیه بر ارزش‌های بومی و معنوی، دگرگونی سازنده در پیش و نگرش مسلمانان، تکیه بر فرهنگ جمعی را مبتنی بر برابری دولت‌ها و استقلال تفکر نخبگان فکری، در فرهنگ و اندیشه‌های و ارتقای فعالیت‌های فرهنگی برای افزایش آگاهی و شناخت و معرفت عمومی اهتمام کنند.

■ **منابع:**

- ^۱ واژه «اسلام امریکایی» اولین بار در صفحهٔ امام خمینی، ج ۱۷، ص ۵۳۳، مورخه ۲۱ تیر ۱۳۶۲ و واژه «اسلام ناب» اولین بار در ۲۳ شهریور ۱۳۶۶، ج ۲۰، ص ۳۹۲ دیده می‌شود.
- ^۲ صفحهٔ اسام، ج ۴، ص ۴۰۸، ج ۵، ص ۲۰۸، ج ۷، ص ۱۵۳.
- ^۳ همان، ج ۲۱، ص ۱۹۵.
- ^۴ همان، ج ۲۱، ص ۱۲۰.
- ^۵ همان، ج ۲۱، ص ۱۹۵.
- ^۶ همان، ج ۲۱، ص ۱۹۵.
- ^۷ همان، ج ۲۱، ص ۱۹۵.
- ^۸ همان، ج ۲۱، ص ۱۱ و ۳۳۹.
- ^۹ همان، ج ۲۱، ص ۲۴.
- ^{۱۰} همان، ج ۲۱، ص ۲۴۰.
- ^{۱۱} همان، ج ۲۱، ص ۱۲۱.
- ^{۱۲} همان، ج ۲۱، ص ۲۴۰ و ۱۲۱.
- ^{۱۳} همان، ج ۲۱، ص ۱۲۱.
- ^{۱۴} همان، ج ۲۱، ص ۱۴۵.
- ^{۱۵} همان، ج ۲۱، ص ۱۶۰.
- ^{۱۶} همان، ج ۲۱، ص ۶۰.
- ^{۱۸} همان.
- ^{۱۹} همان.
- ^{۲۰} همان.
- ^{۲۱} همان، ج ۲۱، ص ۲۴۰. گفتنی است تمام این تعابیر نسبت به این دو اسلام، عمیاً تعابیر امام خمینی است.
- ^{۲۲} سوره احقاف، آیه ۲۰.
- ^{۲۳} سوره قصص، آیه ۴.
- ^{۲۴} سوره زخرف، آیه ۵۴.
- ^{۲۵} احمد بهشتی، ویژگی‌های استکبار، مجله مکتب اسلام، سال بیست‌ونهم، شماره ۶، ص ۲۸.
- ^{۲۶} امام خمینی(ره)، صفحهٔ نور، ج ۶، ص ۲۷۲.
- ^{۲۷} همان، ج ۱۱، ص ۱۷.
- ^{۲۸} همان، ج ۷، ص ۱۷۶.
- ^{۲۹} همان، ج ۲۰، ص ۹۰.
- ^{۳۰} همان، ج ۱۱، ص ۸۸.

|| شنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۱ || ۵ شوال ۱۴۴۳ |

جوان آنلاین — ۲۳



«پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار» پدیدبر جسته جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد.از سو‌بی نگاه امیدوارانه ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان و بر خی دولت‌های مایل به استقلال و از سو‌بی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه رژیم‌های زورگو و قلندرهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین‌گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله انقلاب، فرعون‌های در بستر راحت آر‌میده را بیدار کرد، دشمنی‌ها با همه شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده امام عظیم‌الشان ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خیانت، امکان‌پذیر نمی‌شد.»

(بی‌انیه گام دوم انقلاب اسلامی)



معرفی کتاب



دوران جدید عالم

گفتمان انتقادی انقلاب اسلامی در شناخت تجدد و غرب بر اساس بیانات حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی

ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی

نویسنده: سعید اشیری

تعداد صفحات: ۱۵۲

قطع: رقعی

در این کتاب به رویکرد انتقادی انقلاب اسلامی نسبت به جهان متجدد غربی و مبتنی بر سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی، به تفصیل پرداخته شده است. کتاب حاضر شامل دو بخش کلی است: «انقلاب اسلامی و غرب متجدد» و «غرب‌شناسی و تجدیدشناسی انتقادی» که مطابق با فهرست کتاب، فصلوی متناسب با این دو بخش، مدون و منقح شده‌اند. در مجموع مطالعه این کتاب، برای همگان به خصوص مسئولان محترم نظام اسلامی و کارشناسان مختلف عرصه‌های تدبیر کشور، راهگشا و مفید خواهد بود چراکه بیسان روان، حکمت عیان، منطق مستحکم و دلالت‌های جامع در گفته‌ها و نوشته‌های معظم‌له، در بیش و دآوری اهالی تأمل، بسیار مؤثر و پربرکت خواهد بود. ■ ■ ■

صفحاتی از کتاب:

■ **دوران جدید عالم، وعده الهی و سنت تاریخی**

بدانید امروز تاریخ جهان، تاریخ بشریت، بر سر یک پیچ بزرگ تاریخی است. دوران جدیدی در همه عالم دارد آغاز می‌شود. نشانه بزرگ و واضح این دوران عبارت است از توجه به خدای متعال و استمداد از قدرت لایزال الهی و تکیه به وحی. بشریت از مکاتب و ایدئولوژی‌های مادی عبور کرده است. امروز نه مارکسیسم چابنه دارد، نه لیبرال‌ل‌موناکراسی غرب چابنه دارد- می‌بینید در مهد لیبرال‌دموکراسی غرب، در امریکا، در اروپا چه خبر است، اعتراف می‌کنند به شکست- نه ناسیونالیست‌های سکولار چابنه دارند امروز در میان امت اسلامی، بیشترین چابنه متعلق است به اسلام، به قرآن، به مکتب‌های که خدای متعال وعده داده است که مکتب الهی و وحی الهی و اسلام عزیزی می‌تواند بشر را سعادت‌مند کند. این یک پدیده بسیار مبارک و بسیار مهم و برمعنایی است. امروز در کشورهای اسلامی علیه دیکتاتوری‌های وابسته قیام شده است، این مقدمه‌ای است برای قیام علیه دیکتاتوری جهانی و دیکتاتوری بین‌المللی که عبارت است از دیکتاتوری شبکسه فاسد و خبیث صهیونیستی و قدرت‌های استکباری.

■ **انقلاب اسلامی، علیه تمام موجودیت جهان استعماری غرب**
انقلاب اسلامی، با نگاه تمام موجودیت و نظام از نشی دستگاه استعماری غرب و دنیای سرمایه‌داری را زیر سؤال برد، یعنی آینده‌شان را کلاً تهدید کرد و ایپلهمی به آینده آنها داد، چون این انقلاب بر مبنای اسلام بود و نتیجتاً هر جا مسلمانی باشد، ممکن است این انقلاب بافوقه در آنجا تحقق پیدا کند. بعد هم مرتب نمونه‌های آن را از افغانستان گرفته تالدونزی، مائزی، مصر، تونس و حتی در کشورهای که سیستم‌های به اصطلاح انقلابی دارند- مثل غربی‌ها را از لامرود بشمندی، آینده‌نگری و توجه‌راه‌ادر اختیار می‌کند. اینها احساس وحشت کردند و تمام ندبای سرمایه‌داری را، سر بلند کرده استند و «هل من مبارز» می‌گویند و آینده را در تسیم می‌کند. اینها احساس وحشت کردند و تمام ندبای سرمایه‌داری را، سر بلند کرده استند و «هل من مبارز» می‌گویند و آینده را در اختیار می‌کند. این‌رشته‌ای از تمدن صنعتی و مسئله آمار و آرشوها و آینده‌ها و حدسیات است که شرفی‌ها به همان نسبت که در کار صنعتی عقبنده در این قضیه‌هم از غربی‌ها عقبنده.

■ **«شرق و غرب بر اساسی» هر دو بر آمده از عالم غرب**
تجربه غرب، تجربه ناموفقی است. محصول تجربه غرب در نظام‌های اجتماعی، یکی فاشیسیسم است، حکومت‌نازی، یکی کمونیسیسم است، حکومت بلوک شرق سابق، یکی هم لیبرالیسم است، حاکمیت مطلق العنان امروز دنیا که مطهرش امریکاست و نور چشمی و عزیز کرده‌اش هم اسرائیل است، همه جنایت‌هایی که تقریباً در طول ۱۵۰ سال اخیر صورت گرفته- از آغاز روشنفکری غربی در عرصه عمل- محصول تجربه غرب است. یک‌قلم آن، دو جنگ جهانی است که میلیون‌ها کشته بر ملت‌ها تحمیل کرد، بدون اینکه خودشان بخوانند. گروه‌های سیاسی در اروپا، در فرانسه و در سایر کشورها جقدر تلاش کردند که از جنگ جهانی اول پیشگیری کنند- با مقالات آنتشین، با نطق‌های مهیج، با اجتماعات گوناگون - اما نشد که نشد. نمونه‌دیکرش را بعد از گذشت تقریباً ۹۰ سال از وقوع جنگ جهانی اول، در تهاجم امریکا به عراق ملاحظه کردید.